

متن پرسش

در متن زندگی لسان الغیب حافظ شیرازی هست که جنگ و خون به پا بوده اما اتفاقا در همان زمان این اشعار مستانه و حاضر در عین زندگی را از خود خبر می‌دادند که نمونه ای ذیلا اضافه می‌شود، شاید بنده از هر نا امیدی در جهان نا امید تر هستم از این رو که دل و جانم بی می خانه بخواد ادامه بده و همین بنده از امیدوار ترینهای عالمم از آن رو که دل و جانم در می خانه آخرالزمان که رهبر انقلاب در نماز شهدا از خدا طلب می‌کنند شهدای ما را به این می خانه به اولیاء الله برسانند که این از جهت عظمت می خانه تاریخ و بزرگی رهبر انقلاب و یارانشون حفظه الله هست که چنین غمخوار انتظار هر کسی را در آن زیست برتر می‌کشند. قرار نیست کسی اینگونه سلوک ها را بتواند توضیح دهد یا کتاب و درسش کنه این یک سیر الی الله و دین داری سلامت و زنده است نه کوچکه و نه توهمی بلکه سیری است که با صبر و جهاد و تقوی و امید زیر سایه حضرت امام خمینی حاصل می‌شه. الان تقریبا حرف خاصی نتونستم بزنم اما انتظاری رو ستایش کردم که فرج قطعی دارد. گل در بر و می در کف و معشوق به کام است / سلطان جهانم به چنین روز غلام است / گو شمع میارید در این جمع که امشب / در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است / در مذهب ما باده حلال است ولیکن / بی‌روی تو ای سرو گل‌اندام، حرام است / گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است / چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است / در مجلس ما عطر میامیز که ما را / هر لحظه ز گیسوی تو خوش بوی مَشام است / از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر زان رو / که مرا از لب شیرین تو کام است / تا گنج غمت در دل ویرانه، مُقیم است / همواره مرا کوی خرابات مُقام است / از ننگ چه گویی که مرا نام ز ننگ است / وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام است / می‌خواره و سرگشته و رندیم و نَظرباز / وان کس که چو ما نیست در این شهر کدام است؟ / با مُحْتَسِبم عیب مگوید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است / حافظ منشین بی‌می و معشوق زمانی / کایام گل و یاسمن و عید صیام است

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید آن غزل مشهور حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» که طلب گشودن در میخانه را دارند، طلب همان حضوری است که انسان خود را در وسعت جمع اضداد بیابد و بنگرد خدا را که در عین آن‌که اول است، آخر است و جناب حافظ در این غزل، قصه آن حضور را گزارش می‌دهند که حضوری است بس گران‌مایه. موفق باشید

